

# سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

## از رودکی تا فروغ

گردآوری و نگارش: مهندس پرویز نظامی

### محمد شمس الدین خواجه حافظ شیرازی

و اندر آن آینه صد گونه تماشا می کرد  
گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند  
جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد  
آنکه چون غنچه لبش راز حقیقت بنهفت  
ورق خاطر از این نکته مُحشّا می کرد  
گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم  
گفت آن روز که این گنبد مینا می کرد  
فیض روح القدس از باز مدد فرماید  
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد  
گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست  
گفت حافظ گله ای از دل شیدا می کرد

قرنی که حافظ در آن می زیست دوران کشمکش سیاسی - اجتماعی و به طور کلی نابسامانی بود. امیرمبارزالدین حاکم مرتجع، خودمختار و ظالم شیراز با اعمال ظلم و جور کم سابقه ای برجان و مال مردم فارس حکومت می کرد. فساد و تباهی و تزویر و ارتجاع بر همه جا حاکم بود. حافظ به شدت از این محیط تاریک و فاسد دلخسته و آزرده خاطر بود و از کسانی که در لباس عارف و صوفی و زاهد و ملا به اعمال زور- چپاول بیت المال و ضلالت مردم می کوشیدند سخت بیزار. همانند مولوی که انزجار خود را از ریاکاری- سالوس و تظاهر عوام فریبانه به مذهب و صوفیگری در اکثر اشعارش منعکس کرده و برای مثال می گوید:

دی شیخ گرد شهر همی گشت با چراغ  
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

حافظ نیز نفرت خود را از محیط و جامعه منحط زمان چنین ابراز می کند:

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست  
عالمی دیگر بیاید ساخت و از نو آدمی

حافظ از نظر اندیشه و طرز تفکر از افکار و اندیشه های خیام - سعدی و مولوی الهام گرفته و متأثر بوده و با ادغام تفکرات این سه مرد بزرگ تاریخ ادب ایران افکار و اندیشه های ظریف و تابناک خاص خود را به وجود آورده و سبک و طرز تفکر جدیدی را ارائه کرده که تا کنون هیچکس قادر به تقلید از آن نگردیده است. درخصوص سبک و روش شاعری حافظ باید توضیح داد که او منحصر یک شاعر غزلسرای عرفانی است. تعداد بسیار محدودی رباعی و قصیده و قطعه که دیگر انواع شعر فارسی هستند در دیوان او موجود است لکن حافظ اختصاصاً به کار غزل عرفانی و عاشقانه پرداخته.

هر نویسنده و شاعری سبک بیانی خاص دارد. حسن انتخاب کلمه، نخستین هنر و مهارت حافظ در سخن سرائی است. ذهن حافظ مخزن غنی و گرانباری از کلمات و تعبیرات شاعرانه را در اختیار دارد. ذوق او کلمه هائی را که نشانه رسائی، شیوائی و لطف بیان است بر می گزیند و آنها را در شایسته ترین هیأتی که مبین روانی و انسجام گفتار است با هم تلفیق می دهد. حافظ در انتخاب لفظ- جایگزینی کلمه و نشان دادن کلمه در خور و برگزیده در جمله و چگونگی تلفیق آنها رغبت و تمایل محسوسی به کاربرد هنرهای بدیع شعری داشته است. در غزل های حافظ نمونه



های لطیف و دلنشینی از هنرهای بدیع از قبیل تشبیه و استعاره و تمثیل و مطابقه و تلمیح و به ویژه ایهام فراوان است. به این بیت شعر توجه فرمائید که ضمن آن چند هنر بدیع شعری در آن به کار رفته است.

چراغ روی تو را شمع گشت پروانه  
مرا ز خال تو با حال خویش پروانه

استفاده از جناس نیز که تکرار یک کلمه در دو معنی مختلف با تلفظ یکسان و یا دو کلمه همنگاره با تلفظ متفاوت است و از جمله هنرهای بدیع شعری می باشد در بسیاری از ابیات غزل های حافظ وجود دارد. برای مثال به این دو بیت توجه فرمائید.

میل رفتن مکن ای دوست دمی با ما باش  
بر لب جوی طرب جوی و به کف ساغرگیر

در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را  
مهر لب او بر در این خانه نهادیم

استفاده از یک کلمه و یا یک عبارت ولی با دو معنی مبین هنر ایهام است. برای مثال به این دو بیت توجه فرمائید.

حافظ لب لعلش چو مرا جان عزیز است  
عمری بود آن لحظه که جان را به لب آرم

زگریه مردم چشمم نشسته در خون است  
بین که در طلبت حال مردمان چون است

مهارت و تسلط حافظ در استفاده از این هنرهای بدیع به صورتی عرضه می شود که هیچگونه نشانه تکلف و نابرانندگی احساس نمی گردد.

خوش آهنگی کلمات و تقارن خوشنویای طنین صوت ها خصوصیتی است که حافظ به آن توجه داشته و هر جا موقعیت ایجاب می کرد به شیوه های متفاوت این ویژگی را در گفتار خود نمودار ساخته است.

برای مثال:

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد  
وجود نازکت آزرده گزند مباد

و در بیتی دیگر:

شهره شهر مشو تا نهم سر درکوه  
شور شیرین منما تا نکنی فرهادم

در دو بیت ذکر شده و نیز در بسیاری از اشعار دیگر به منظور دادن طنین رسا به کلمات از حروف ز و ش هر کدام چند بار در نهایت مهارت و زیبایی استفاده شده است. به این بیت که حروف ش و دال هم به منظور طنین رسائی به طور مکرر به کار گرفته شده است توجه کنید:

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدم  
منم که دیده نیالوده ام به بد دیدن

یک غزل زیبا از حافظ:

سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند  
همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند  
تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او  
زان سفر دراز خود عزم وطن نمی کند  
پیش کمان ابرویت لابه همی کنم ولی  
گوش کشیده است از آن گوش به من نمی کند  
با همه عطر دامنت آیدم از صبا عجب  
کز گذر تو خاک را مُشک ختن نمی کند  
دل به امید وصل تو همدم جان نمی شود  
جان به هوای کوی تو خدمت تن نمی کند  
دستخوش جفا مکن آب رخم که فیض ابر  
بی مدد سرشک من دُرّ عدن نمی کند  
ساقی سیم ساق ما گر همه دُرّد می دهد  
کیست که تن چو جام می جمله دهن نمی کند  
کشته غمزه تو شد حافظ ناشنیده بند

تیغ سزاست هر که را درد سخن نمی کند

یکی از رازهای نهانی شعر حافظ پیوند دیرینه و نامرئی آن است با سنن و رسوم مردم که خود از ویژگی های هر اثر هنری پایداری می تواند باشد. حافظ در بسیاری از اشعارش از آداب و رسوم مردم سود جسته و از آنها به زیننده ترین وجهی در زیباتر شدن ایهام ها و اشاره ها استفاده کرده است. پاره ای از رسوم و سنن کهن را همراه با ابیاتی که حافظ در توصیف و تشریح آنها سروده جهت اطلاع ذکر می کنیم.

در قدیم مرسوم بوده که برای پائین آوردن تب، به طوری که بیمار متوجه نشود یک سینی نزدیک او نگاه می داشتند و گلوله ای را که از گل درست کرده بودند در چله کمان گذاشته و به سینی پرتاب می کردند و عقیده داشتند در اثر ترسی که با این کار غفلتا به بیمار دست می داده است تب او قطع می شده. این کار هنوز هم در بین ایلات جنوب ایران مرسوم است و به آن (سونجی گیری) می گویند. حافظ در شعر خود از این رسم بدینگونه یاد می کند:

با چشم و ابروی تو، چه تدبیر دل کنم  
وه زین کمان، که بر سر بیمار می کشی

و باز در ایام قدیم برآن باور بودند که برای جلب نظر معشوق اگر نام او را بر نعل اسبی بنویسند و نعل را در زیر آتش کنند، معشوق دچار بی قراری و اضطراب عاشقانه شده و فریفته و دل بسته عاشق می شود. حافظ رسم مردم ساده دل را بدینگونه در شعر آورده است:

در نهانخانه عشرت صنمی خوش دارم  
کز سر و زلف رخس، نعل در آتش دارم

رسم بر این بوده که برای رفع قضا و بلا و دفع چشم زخم، دعائی را که تعذیر می نامیدند بر کاغذ یا پوستی ظریف و نازک، مانند پوست خشک شده کدو می نوشتند و آن را بر بازوی شخص می بستند یا به گردنش حمایل می کردند و عقیده داشتند که با این کار شخص را از آفت چشم حسود که امروزه هم به عنوان نظر زدن و چشم زدن از آن نام برده می شود، حفظ می کند. حافظ این رسم را چنین در یک بیت آورده است:

ای دوست، دست حافظ تعذیر چشم زخم است

یا رب ببینم آن را، در گردنت حمایل

از شیوه های تربیت قدیم تربیت عیاری بوده است و از خصوصیات آن جوانمردی و فتوت. اصول مهم جوانمردی عبارت بوده است اول هر چه را بگوئی، انجام دهی- دوم در گفتار و کردار، راستی و صداقت و یکرنگی داشته باشی و سوم در همه حال شکیبایی باشی حافظ اشعار بسیاری در این زمینه دارد که یک بیت را به عنوان نمونه ذکر می کنیم.

خیال زلف تو پختن نه کار هر خامی است  
که زیر سلسله رفتن طریق عیاری است

دنباله مطلب در ماه آینده

## California Homes & Kitchen Design Center

کلیه نیازهای ساختمانی شما زیر یک سقف با استفاده از بهترین و مرغوب ترین کالا و سرویس منحصر به فرد

از نمایشگاه مجهز و کامل ۱۲,۰۰۰ فوت ما دیدن کنید!



All your needs under one roof.  
Whether remodeling or building a new home, California Homes & Kitchen Design is the solution for every unique situation.

We design & manufacture.

Everything is built onsite. From cabinets to countertops, turnaround is fast & delightful.

We use the highest quality materials.

From elegant woods in our cabinets to granites, marbles and any exotic stones from our full-service fabricator shop.

We will exceed your expectations.

- ❖ Granite & Marble
- ❖ Vanities
- ❖ Closet Organizers
- ❖ Windows & Doors
- ❖ Brand name Bathroom Fixture
- ❖ Hardwood Flooring
- ❖ Decorative Mouldings

- ❖ Fireplaces
- ❖ Fireplace Mantels
- ❖ Paving Stones
- ❖ Staircases & Railing
- ❖ Mail Boxes
- ❖ Floor Inserts
- ❖ Decorative Columns

- ❖ گرانیت و سنگ مرمر
- ❖ کمدهای توالت
- ❖ قفسه بندی کمد
- ❖ درب و پنجره
- ❖ کفپوش چوبی

Unlike Others, we design and manufacture every cabinet in our shop using the finest quality wood products to ensue your cabinet are elegant and unique.

❖ Innovative Designs with Computer Rendition

❖ Professional Installation

VISIT OUR SHOWROOM TODAY

(408)392-8200

1775 Junction Avenue, San Jose, CA 95112

www.calhomesandkitchen.com \* Lic.#886231

